

Original Article

A Comparative Study of the Impact of Frustration of the Cause of Obligation on the Continuity of Successive Contracts in Iranian and French Law

Aliakbar Fouladin¹ , Sayyed Mohammad Mahdi Qabuli Dorafshan^{*2} , Saeed Mohseni³ , Azam Ansari⁴ 

¹ PhD student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

² Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

³ Associate Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

⁴ Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.



[10.22080/LPS.2024.26539.1593](https://doi.org/10.22080/LPS.2024.26539.1593)

Received:

October 12, 2023

Accepted:

February 25, 2024

Available online:

December 21, 2024

Keywords:

Motivation, Cause of Contract, Successive Contract, Termination, Rescission

Abstract

In contract law, the purpose of concluding a contract is called cause, which may be legitimate or illegitimate. The article employs a descriptive and analytical method, utilizing a comparative approach to demonstrate that prior to the 2016 reforms of the French Civil Code, cause was a fundamental element of a contract. The absence of cause would result in the invalidation of one of the essential terms of the contract, thereby disrupting the contractual balance to the detriment of one of the parties. The prevailing doctrine and jurisprudence in France have regarded the legal status of *caducité* (nullity) of a contract as a means to address difficulties. Despite the removal of the concept of cause from the French Civil Code, many scholars still rely on the first part of Article 1186 of the French Civil Code, which was approved in 2016, as opinions on this matter remain consistent. While there is significant disagreement regarding the impact of the termination of a legitimate cause on the survival of the contract under Iranian law, this essay demonstrates that, in Iranian law, the legitimate cause or purpose of a contract that creates a difficult situation for one of the parties can lead to the termination of the contract. However, some scholars advocate for the option to terminate the contract in such circumstances.

***Corresponding Author:** Sayyed Mohammad Mahdi Qabuli Dorafshan

Address: Ferdowsi University of Mashhad.

Email: Ghaboli@um.ac.ir

Mashhad, Iran.



Extended Abstract

1. Introduction

People pursue various motives when concluding their transactions. The necessity for legal security and the robustness of contracts dictates that many of these purposes remain outside the realm of law. However, it is possible for the primary objective of the parties involved in the contract to enter the contractual domain and, consequently, be taken into account. Essentially, legal action, like other human endeavors, is driven by a rational objective. The pursuit of this objective often compels individuals to enter into contracts. Frequently, the significance of this goal is such that it creates a space for itself during contract negotiations and manifests in various forms within the contract. Taking into account Articles 190 and 217 of the Iranian Civil Code, it is evident that the cause cannot be considered among the conditions or fundamental elements for concluding a contract. The legislator has addressed this matter primarily to uphold Sharia rules in contractual agreements, without intending to equate it with the validity of contractual terms. There is no consensus among Iranian scholars regarding the impact of stating the legitimate purpose of one party in a contract and its subsequent termination. Some scholars view this statement as having no legal significance, while others believe it plays a crucial role in the contract's validity. In French law, this issue has been extensively studied, and significant opinions have been issued by

the French Supreme Court. This essay demonstrates that, under French law, the frustration of the contractual purpose can lead to the termination of the contract. The question arises: how does the frustration of this purpose affect the validity of the contract and the obligations of the parties under Iranian contract law?

2. Method

The present research employs a comparative descriptive analytical method, and the data were collected through library studies.

3. Findings and Conclusions

The essay demonstrates that under Iranian law, the loss of a legitimate cause or purpose of a contract, which creates a challenging situation for one of the parties, can lead to the termination of the contract. However, some scholars advocate for the option to terminate the contract in such circumstances.

Funding

There is no financial support available.

Authors' Contributions

The authors contributed equally to the conceptualization and writing of the article. All authors approved the content of the manuscript and reached a consensus on all aspects of the work.

Conflict of Interest

The authors declare that there is no conflict of interest.

Acknowledgments

The authors would like to express their gratitude to all the scientific consultants who contributed to this paper.

علمی پژوهشی

تأثیر منتفی شدن جهت قرارداد بر بقای قراردادهای مستمر در حقوق ایران و فرانسه

علی اکبر فولادین^۱، سید محمد مهدی قبولی درافشان^{۲*}، سعید محسنی^۳، اعظم انصاری^۴

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
^۲ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
^۳ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
^۴ دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

 [10.22080/LPS.2024.26539.1593](https://doi.org/10.22080/LPS.2024.26539.1593)

چکیده

هدف از انعقاد قرارداد را جهت می‌نامند که می‌تواند مشروع یا نامشروع باشد. در مورد جهت نامشروع و تاثیر آن بر قرارداد، قانونگذار ایران موضع‌گیری نموده و در مقابل سرکشی از رعایت قواعد اخلاقی، ضمانت اجرای بطلان مطلق را برگزیده است. اما سؤال این‌که در موردی که قراردادی مستمر در هنگام انعقاد دارای جهتی مشروع است و در هنگامی اجرا، بروز مسائلی نیل به هدف قراردادی را عقیم می‌سازد وضعیت چگونه است؟ جستار حاضر با روش توصیفی تحلیلی و نیز تطبیقی به این نتیجه دست یافته است که تا پیش از اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی فرانسه، جهت در شمار عناصر اساسی عقد بود و از بین رفتن آن، زوال یکی از شروط اعتبار قرارداد و برهم‌خوردن موازنه‌ی قراردادی را در پی داشت. به‌رغم حذف مفهوم جهت از قانون مدنی فرانسه هنوز هم بسیاری حقوقدانان با اتکاء به بخش اول ماده ۱۱۸۶ قانون مدنی ۲۰۱۶ فرانسه قائل به انفساخ قرارداد در چنین وضعیتی هستند. در حقوق ایران نیز با وجود اختلاف‌نظر پیرامون تأثیر انتقای جهت مشروع طرفین بر بقای قرارداد، از بین رفتن جهت مشروع و یا هدف قرارداد که وضعیتی نابسامانی برای یکی از طرفین به‌وجود می‌آورد می‌تواند سبب انفساخ عقد شود، هرچند برخی حقوقدانان قائل به حق فسخ قرارداد برای چنین وضعیتی هستند.

تاریخ دریافت:

۲۰ مهر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۰۶ اسفند ۱۴۰۲

تاریخ انتشار:

۰۱ دی ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

انگیزه، جهت قرارداد، قرارداد مستمر، فسخ، انفساخ

* نویسنده مسئول: سید محمد مهدی قبولی درافشان
آدرس: دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

ایمیل: Ghaboli@um.ac.ir



۱ مقدمه

چنانکه برخی (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۴۰؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۲) آن را فاقد اهمیت حقوقی و برخی (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۱۵) دیگر مؤثر در سرنوشت قرارداد دانسته‌اند. چنانکه خواهیم دید، در حقوق فرانسه این موضوع مورد مطالعات بسیاری قرار گرفته (Buffelan-Lanore & Larribau-Terneyre, 2023; Flour et al., 2022) و آراء متعددی از دیوان عالی این کشور صادر شده است که بررسی تجارب محاکم و حقوقدانان آن کشور به غنای هرچه بیشتر این پژوهش کمک شایانی می‌نماید. لذا در راستای بررسی موضوع، ابتدا به تعریف جهت و تمییز آن از سایر مفاهیم مشابه پرداخته می‌شود. سپس مطالعه‌ی عمیق‌تری از این مفهوم در حقوق فرانسه و تفکیک آن به جهت نوعی و شخصی صورت می‌گیرد و در نهایت نیز جهت به مثابه ابزاری برای کنترل مطلوبیت و توازن اقتصادی قرارداد بررسی می‌شود.

۲ تعریف جهت و تمییز آن از مفاهیم مشابه

در حقوق مدنی فرانسه واژه cause دو مفهوم متمایز را پوشش می‌دهد، چنان‌که گاه در مسئولیت مدنی تحت عنوان سبب یا علت مؤثر بر ورود خسارت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لیکن گاه در بحث تشکیل قرارداد مطرح شده و ناظر به هدفی است که از انعقاد قرارداد دنبال می‌شود که از آن به جهت یا علت غایی^۲ تعبیر می‌شود. قانون مدنی فرانسه در مواد ۱۱۰۸ و ۱۱۳۱ سابق این واژه را در معنای اخیر به کار برده است (Terré et al., 2018: 440).

۲.۱ تعریف جهت

برخی (Cornu, 2018)، جهت را «نفع عمل حقوقی برای انشاءکننده‌ی آن» تعریف نموده‌اند. برخی (Guinchard & Debard, 2017-2018) نیز آن را «هدف فوری و مستقیم شخص متعهد می‌دانند که

اشخاص در انعقاد معاملات خویش انگیزه‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند. لازمه‌ی امنیت حقوقی و قوام قراردادها این است که بسیاری از این اغراض به عالم حقوق راه نیابد. در هر حال، هدف اصلی که وارد حوزه‌ی قراردادی می‌شود جهت معامله و دارای ارزش حقوقی است. از مجموع مواد ۱۹۰ و ۲۱۷ قانون مدنی ایران چنین استنباط می‌شود که جهت را نمی‌توان در شمار شرایط و یا عناصر اساسی انعقاد قرارداد جای داد و قانونگذار صرفاً از باب احترام به قواعد شرعی به آن نگریسته است، بدون اینکه بخواهد بدان هویتی برابر با ارکان قرارداد بخشد. باوجوداین، به نظر می‌رسد که مفهوم ذکرشده دارای ظرفیتهای حقوقی بیشتری است و نباید کارکرد آن را محدود به لزوم مشروعیت جهت در بند ۴ ماده ۱۹۰ و بطلان معامله‌ی دارای جهت مصرّحه‌ی نامشروع در ماده ۲۱۷ قانون مدنی دانست. اصولاً عمل حقوقی همچون دیگر اعمال انسان دارای هدفی عقلانی است که رسیدن بدان هدف، آدمی را به سوی انعقاد قرارداد سوق می‌دهد و گاه اهمیت این هدف تا آنجاست که برای خود در مذاکرات قراردادی جایی باز می‌کند و به اشکال گوناگون در قرارداد پدیدار می‌گردد. حال سؤال این است که منتفی شدن این هدف چه تأثیری بر سرنوشت قرارداد و تعهدات طرفین آن می‌گذارد؟ واضح است که موضوع بحث متوجه قراردادهای مستمر می‌گردد که از زمان انعقاد تا اجرای آن مدتی سپری می‌شود که همین فاصله‌ی زمانی می‌تواند زمینه‌ساز تغییراتی در اوضاع و احوال زمان انعقاد قرارداد شود. همچنین به نظر می‌رسد که این موضوع در قراردادهای عهدی بیشتر جلوه‌گر شود، زیرا جز در مورد اجاره که قراردادی تملیکی و مستمر است، اغلب قراردادهای تملیکی در شمار قراردادهای آنی هستند و به ندرت دچار چنین چالشی می‌گردند. میان حقوقدانان ایرانی در خصوص تاثیر بیان جهت مشروع یکی از طرفین و انتفای بعدی آن اتفاق نظر وجود ندارد،

² La cause finale

¹ La cause efficiente

قانون مدنی حذف نموده، واژه‌ی هدف^۲ را به جای آن نشانده است. در ماده ۱۱۶۲ جدید قانون مدنی^۳ فرانسه چنین آمده که شروط و هدف یک قرارداد نمی‌تواند در تقابل با نظم عمومی قرار گیرد، خواه هدف قرارداد برای همه‌ی طرفین معلوم باشد یا نباشد. برخی اساتید فرانسوی (Flour et al., 2022) با استناد به این ماده معتقدند که قانون مدنی فرانسه در خصوص جهت صرفاً یک تغییر ظاهری^۴ یافته و به تعبیر ایشان همگان می‌دانند که هدف قرارداد چیزی جز جهت غایی آن نیست. برخی دیگر نیز معتقدند که هدف قرارداد در ماده ۱۱۶۲ هیچ چیز جز همان انگیزه‌ی قاطع و تعیین‌کننده‌ای که از آن به جهت شخصی تعبیر می‌گردید نیست (Buffelan- Lanore & Larribau-Terneyre, 2023). نزد برخی حقوقدانان ایرانی (قاسمی حامد، ۱۳۹۳: ۲۱۶) نیز جهت همان هدف شخصی و غیرمستقیم متعاملین است.

۲،۳ تمییز جهت از انگیزه‌های شخصی

نزد برخی اساتید فرانسوی (Capitant, 1927 : 24) برخلاف هدف، انگیزه سهمی در اراده‌ی متعهد ندارد و به همین دلیل نیز فاقد ارزش حقوقی است. در حقوق ایران نیز برخی اساتید (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ص ۱۲)، انگیزه شخصی را علت غائی غیرمستقیم می‌دانند که جنبه حقوقی نداشته و جز در موارد استثنائی ارزش بحث حقوقی نیز ندارد. به نظر می‌رسد که بی‌اهمیت بودن انگیزه‌های شخصی در عالم حقوق دو سبب اصلی دارد. اول آنکه اغراض شخصی معمولاً پنهان می‌ماند و به دلایلی که معمولاً حاصل مصالح فردی است از نهانگاه ذهن شخص راه به عالم حقوق نمی‌یابد. دوم اینکه تعداد دواعی برانگیزاننده‌ی اراده‌ی افراد بی‌شمار است و بها دادن به همه‌ی آنها موجب بی‌سامانی و سردرگمی است. درحالی‌که حقوق عالم تردید نیست و لازمه‌ی سامان

وی را به سوی قبول تعهد هدایت می‌کند» و همچنین آن را برابر با «انگیزه»^۱ دانسته‌اند. چنانکه خواهیم دید، به نظر می‌رسد دوگانگی مفهوم و کارکردهای متنوع نظریه جهت در حقوق فرانسه مانع از ارائه‌ی یک تعریف واحد می‌شود، با وجود این برخی حقوقدانان (Reigné, 1997: 500 as cited in Mazeaud, 1998: 110) جهت را عبارت از هدف قراردادی مشترک بین طرفین و یا هدفی که توسط یکی از طرفین دنبال می‌گردد و توسط سایرین مورد توجه قرار می‌گیرد می‌دانند. در حقوق ایران بعضی (عدل، ۱۳۷۸: ۱۰۸) جهت معامله را مقصود بلاواسطه یعنی مقصود اصلی که اشخاص یا طرفین قرارداد برای نیل به آن معامله را واقع می‌سازند تعریف نموده‌اند. نزد برخی اساتید (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۲۰۳)، نیز جهت معامله عبارت است از هدف هریک از متعاملین در معامله‌ی معین. چنانکه برخی دیگر (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۳۶) نیز آن را برابر با انگیزه‌ی پیمان بستن می‌دانند. همچنین آن را غرض و هدف اصلی که معامله‌کننده از عقد قرارداد داشته تعریف نموده‌اند (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). این تعاریف مرزی میان جهت قرارداد که صریحاً یا به صورت تلویحی وارد حوزه‌ی قرارداد می‌شود و دارای ارزش حقوقی است و انگیزه‌های شخصی که اصولاً فردی و پنهان است و راهی به عالم حقوق ندارد ترسیم نمی‌نماید و در مقابل برخی نویسندگان (قبولی درافشان، ۱۳۹۶: ۱۷۹) در تعریف جهت آن را انگیزه‌ی اصلی یک طرف از انجام معامله می‌دانند که به طور صریح یا ضمنی وارد قلمرو قراردادی شده باشد.

۲،۲ رابطه‌ی جهت و هدف قراردادی

برخی نویسندگان (Capitant, 1927 : 5 - 25) جهت و هدف را مترادف دانسته‌اند. قانونگذار فرانسوی نیز که در اصلاحات سال ۲۰۱۶ جهت را از مجموعه‌ی

³ Article 1162: le contrat ne peut déroger à l'ordre public ni par ses stipulations, ni par son but, que ce dernier ait été connu ou non par toutes les parties.

⁴ Un changement cosmétique.

¹ Le motif

² Le but



آشنایی با تاریخچه‌ی این مفهوم برای درک عمیق‌تر راه‌حل‌های کنونی حقوق موضوعه فرانسه بسیار ضروری است (Delebecque & Pansier, 2016, 169) و این ضرورت برای ما که درصدد بررسی تجربه‌ی حقوقی فرانسه در این مورد هستیم بارزتر است. بند ۴ ماده ۱۱۰۸ سابق قانون مدنی فرانسه وجود یک جهت مشروع در تعهد^۳ را از شرایط اساسی اعتبار توافق قرار داده و در ماده ۱۱۳۱ سابق همان قانون تعهد فاقد جهت یا بر مبنای جهتی اشتباه یا نامشروع فاقد هرگونه اثری دانسته شده بود. بر مبنای ماده ۱۱۳۳ نیز جهت زمانی نامشروع بود که به موجب قانون ممنوع شده یا مخالف اخلاق حسنه و یا نظم عمومی باشد. عدم وجود تعریف قانونی از جهت این ابهام را بوجود آورد که در بررسی این مفهوم باید به نزدیکترین دلیل^۴ یا همان جهت نوعی^۵ یا جهت تعهد توجه نمود و یا به دلایلی که نقشی تعیین‌کننده در اراده دارد، اگرچه دورتر باشند که از آن به جهت شخصی^۶ یا جهت قرارداد تعبیر می‌گردد و همین امر سبب پیدایش دو مفهوم از جهت در حقوق تعهدات فرانسه بود. البته باید توجه داشت که برخی اساتید فرانسوی (Capitant, 1927, 26): این تفکیک را نمی‌پذیرند و به کار بردن اصطلاح جهت قرارداد^۷ را اشتباه و بی‌معنی دانسته و با استناد به بند ۴ ماده ۱۱۰۸ و ماده ۱۱۳۱ سابق قانون مدنی فرانسه معتقدند که تنها می‌توان از جهت تعهدات طرفین قرارداد سخن گفت.

۳/۱ نظریه نوعی یا جهت تعهد

نظریه سنتی جهت، برساخته‌ی حقوقدانان نظام قدیم حقوق فرانسه همچون دوما^۸ بود. طرفداران نظریه جهت^۹ برای تعیین علت تعهد و از باب تحلیل عمل حقوقی، هر تعهدی که از قرارداد زاده می‌شد را

بخشیدن به روابط فیما بین افراد، قاطعیت در تعیین عناصر سازنده‌ی اعمال حقوقی و تشخیص مصادیق خارجی آن است و تنوع انگیزه‌های شخصی افراد مانع آن می‌شود. به همین جهت نیز برای تمیز جهت از سایر انگیزه‌های شخصی دو ویژگی برای آن برشمرده‌اند، اول اینکه جهت معامله هدف بی‌واسطه‌ای است که اگر وجود نداشته باشد معامله نیز انجام نمی‌شود، دوم آنکه این انگیزه‌ی اصلی باید مشترک باشد یا دست‌کم در تراضی بیاید (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

۳ بررسی مفاهیم جهت شخصی و نوعی در حقوق فرانسه

در گذشته آنچه به قرارداد نیرویی الزام‌آور می‌بخشید و تعهدات طرفین را کنترل می‌کرد تنها قالب‌های پیش‌بینی شده توسط حقوقدانان رومی بود، اما افول شکل‌گرایی به سبب آنکه آن را مخالف با لزوم گردش ثروت می‌دیدند، به نظریه جهت فرصت ظهور و بروز در حقوق فرانسه داد^۱ (Delebecque & Pansier, 2016, 172). با وجود این، پیچیدگی‌های نظری این مفهوم (Fages, 2019:146) و نگرانی از صدمه به جذابیت حقوق فرانسه (Terré et al., 2018: 443)، باعث شد تا در اصلاحات ۲۰۱۶ قانون مدنی این کشور ماده ۱۱۲۸ جایگزین ماده ۱۱۰۸ سابق گردد و مفهوم جهت که زمانی به عنوان یکی از سبب‌های مدل قراردادی حقوق فرانسه شناخته می‌شد و به تعبیر برخی محیط و غالب بر تمام حقوق تعهدات بود (Capitant, 1927:5) از زمره‌ی شرایط تشکیل قرارداد حذف گردیده و نقش آن به ابزارهای دیگری سپرده شود (Flour et al., 2022; Cabrillac, 2018). با وجود این چنانکه گفته‌اند

³ Une cause licite dans l'obligation.

⁴ La raison la plus proche

⁵ Cause objective

⁶ Cause subjective

⁷ La cause du contrat.

⁸ Domat

⁹ Causalistes

¹ Le droit francais est devenu necessairement casualiste à partir du moment ou il a cessé d'être formaliste.

² Article 1128: Sont nécessaires à la validité d'un contrat:

Le consentement des parties;

Leur capacité de contracter;

Un contenu licite et certain.

دانسته شده است: توضیح اینکه در قراردادهای دوتعهدی که دو تعهد همزمان به وجود می‌آید، یکی را نمی‌توان علت دیگری دانست، زیرا به صورت منطقی علت و معلول نمی‌تواند دقیقاً در یک زمان بوجود آید و اعتقاد به اینکه هر یک از تعهدات نتیجه‌ی دیگری باشد مستلزم دوری باطل^۶ است. همچنین در قراردادهای عینی در صورتی که ابتدا مال تسلیم نشده باشد، نه اینکه جهت تعهد وجود ندارد، بلکه اساساً قراردادی بوجود نیامده تا نوبت به بررسی وجود علت برسد و در قراردادهای رایگان نیز قصد بخشش به صورت انتزاعی و مستقل از انگیزه-ی زاینده‌ی آن امری بی‌معناست (Planio, 1902: 322). عقیده‌ی بر بی‌فایده‌ی نظریه سنتی جهت نیز مبتنی بر آن بود که بطلان قراردادهای دوتعهدی و قراردادهای عینی را به سبب فقدان جهت تعهد یا نامشروع بودن آن می‌توان همزمان به سبب فقدان یا نامشروع بودن موضوع تعهد توجیه نمود و این مفهوم را از مجموعه‌ی قوانین حذف کرد، بدون اینکه دیگر قواعد به مخاطره افتد (Planio, 1902: 322). در مقابل برخی (Josserand, 1939: 82) معتقد بودند، آنچه محل انتقاد است، خود نظریه جهت نیست، بلکه ناکافی بودن آن است. به نظر ایشان می‌باید دامنه‌ی کارکرد آن را توسعه بخشید. اگرچه همه‌ی ایرادات مطروحه به نظریه سنتی علت نمی‌توانست صحیح باشد^۷ با وجود این موجب تحولاتی در این مفهوم و ظهور نظریه جدید^۸ و تفکیک میان جهات نوعی و شخصی گردید که مکمل نظریه اول و نه جانشین آن بود (Flour et al., 2022).

۳٫۲ نظریه شخصی یا جهت قرارداد

تفکیک جهت به نوعی و شخصی ریشه در حقوق کلیسا^۹ دارد و بازگشت به آن را در نظریه جدید

به گونه‌ای کاملاً مجرد در نظر می‌گرفتند، لذا قراردادهای هم‌سنخ دارای علت‌های همگونی هستند (Mazeud, 1998: 263). بر اساس این نظریه، شخصی که مالی را می‌فروشد هدف فوری^۱ و اولیه او به دست آوردن بهای آن است، غرضی نوعی که هر فروشنده‌ای از بیع خود دارد و توجه به ماهیت قرارداد به راحتی آن را پدیدار می‌سازد (Flour et al., 2022). بر مبنای این مفهوم از نظریه‌ی جهت، فقدان جهت برابر آن است که در یکی از قراردادهای تعهد یکی از طرفین از عوض مورد توافق محروم بماند (Ghestin, 2007: 277) و نتیجه‌ای که از این امر حاصل می‌شود این است که آن قرارداد به سبب عدم وجود علت تعهد قابل ابطال است (Ance, 2022). نظریه سنتی ناظر به مفهوم اول از جهت است، چنانکه در قراردادهای دوتعهدی^۲ همچون بیع، جهت تعهد یکی از طرفین، تعهدی بود که طرف دیگر بر عهده گرفته و در قراردادهای یک‌تعهدی معوض^۳ مانند قرض نیز جهت تعهد مقترض بر استرداد مورد قرض، تسلیم موضوع عقد به وی است که قبلاً توسط مقرض انجام شده است. در قراردادهای رایگان^۴ نیز جهت تعهد هیچ چیز جز قصد بخشش نیست (مثل قصد واهب بر بخشش بدون عوض). در بررسی جهت در هیچ یک از موارد فوق به انگیزه‌ها و دلایل شخصی بایع و مقرض و واهب و طرف قراردادی او توجهی نمی‌شود (Flour et al., 2022). همین امر سبب بروز انتقادات جدی گردید. چنانکه برخی (Demogue, 1923: 529) به این نگاه بیش از حد اقتصادی به مفهوم علت انتقاد نموده و آن را برای بطلان بخشش‌های با هدف نامشروع ناکارآمد دانسته و گفته‌اند که باید خود را در عرصه‌ی وسیع‌تری از فایده‌ی اجتماعی مفهوم جهت قرار دهیم. نزد برخی دیگر (Planio, 1902: 321) نیز نظریه سنتی علت نادرست و بی‌فایده^۵

^۷ برای مطالعه‌ی بیشتر ر ک:

Flour, J., Aubert, J. L., & Savaux, É, 2022. n 407.

^۸ La théorie moderne

^۹ Le droit canonique

^۱ But immédiat

^۲ Les contrats synallagmatiques

^۳ Les contrats unilatéraux à titre onéreux

^۴ Les contrats à titre gratuit

^۵ Fausse et inutile

^۶ Un cercle vicieux



کارکردهای جهت سبب طرح دو ضمانت‌اجرای متفاوت گردید، چنانکه تعقیب یک جهت نامشروع یا غیراخلاقی از آنجا که هدف حفظ منافع عمومی است ضمانت‌اجرای بطلان مطلق را به دنبال دارد، درحالیکه در فرض فقدان جهت شخصی به سبب آنکه صرفاً تأمین‌کننده منافع طرفی است که بیهوده درگیر شده در آراء متعدد^۴، با ضمانت‌اجرای بطلان نسبی روبرو شده است (Pellé, 2007: 214; Ancel, 2013: 687; Mazeaud, 2022). البته از جهت لزوم آگاهی از انگیزه‌ی نامشروع طرف مقابل و تأثیر آن بر سرنوشت قرارداد در حقوق فرانسه میان قراردادهای معوض و رایگان قائل به تفکیک می‌شده‌اند، ولیکن این تفکیک به موجب رأی مورخ ۷ اکتبر ۱۹۹۸^۵ شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه از بین رفت (Buffelan-Lanore & Larribau-, 2023) و در همه‌ی انواع قراردادهای بطلان قرارداد لازم نیست که طرف دیگر قرارداد از انگیزه و جهت نامشروع آگاه باشد که همین ضمانت اجرا در قید انتهایی ماده ۱۱۶۲ قانون مدنی فرانسه در خصوص مخالفت هدف قرارداد با نظم عمومی بازآفرینی شده است (Flour et al., 2022).

۴ جهت به مثابه ابزاری برای کنترل بقای موازنه‌ی قرارداد در حقوق فرانسه

مطالعه‌ی آثار برخی نویسندگان (Demogue, 1923) (b: 530) معلوم می‌نماید که هدف ایشان از انتقاد به نظریه جهت این بود که حاکمیت اخلاق را در روابط خصوصی قوت بخشند، بدون اینکه به دنبال دلایل دورتر تشکیل قرارداد باشند. درحالیکه گاه در هنگامه‌ی اجرا اتفاقاتی می‌افتد که وضعیتی مشکل برای یکی از طرفین بوجود آورده و قرارداد را عاری از

تلاشی برای وارد کردن قاعده‌ی اخلاقی در حقوق می‌دانند (Buffelan-Lanore & Larribau-, 2023). به‌طور کلی می‌توان گفت که نه تنها انعقاد قرارداد، بلکه هیچ عمل دیگر انسان نمی‌تواند صرفاً یک دلیل داشته باشد یا تنها تعقیب‌کننده یک هدف باشد (Flour et al., 2022) بلکه افراد ممکن است از انعقاد قرارداد خود انگیزه‌های متفاوتی داشته باشند. لذا از آنجا که هیچ اراده‌ای نمی‌تواند عاری از انگیزه باشد^۱ بنابراین، در کنار نظریه سنتی جهت، نظام روان‌شناختی گسترده‌تری متولد شد که دیگر نه تنها به اهداف نوعی یک قرارداد، بلکه به انگیزه‌های عینی و فردی اشاره دارد. عمل با توجه به غرضی که از آن الهام گرفته و هدفی که به آن گرایش دارد ارزیابی می‌شود و ارزش قانونی آن را اخلاق تثبیت می‌کند (Josserand, 1939: 87). در حقیقت یکی از دلایلی که قانون به وسیله‌ی پاره‌ای ابزارها (نظریه‌های موضوع و جهت) محتوای قرارداد را کنترل می‌نماید، تعقیب این هدف است که تضمین گردد که آن تعهد خالی از فایده‌ی اجتماعی نیست (Demogue, 1923 b: 526). البته برخلاف جهت نوعی، جهات شخصی همگون^۲ نیستند و از فردی به فرد دیگر متفاوت است، زیرا به دلایل روان‌شناختی‌ای بستگی دارد که در هر یک از اطراف قرارداد موجود است (Buffelan-Lanore & Larribau-Terneyre, 2023). این تفکیک در رویه قضایی نیز منعکس گردید و تمییز جهت تعهد از جهت قرارداد به خوبی در رأی مورخ ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۹ شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه^۳ مشاهده می‌شود. لذا درحالیکه نظریه نوعی ابزاری برای کنترل وجود علت تعهد^۴ است، نظریه جهت شخصی مشروعیت جهت^۵ را مورد کنکاش قرار می‌دهد (Buffelan-Lanore & Larribau-, 2023). این دوگانگی مفهوم و

^۴ L'existence de la cause

^۵ La licéité de la cause

^۶ Civ. 1re, 9 nov. 1999, no 97-16.306; Civ. 3e, 21 sept. 2011, n 10-21.900

^۷ Cour de Cassation, Chambre civile 1, du 7 octobre 1998, 96-14.359, Publié au bulletin

^۱ Qu'est-ce qu'une volonté dépourvue de motif? (planiol, Traité élémentaire de droit civil, t. II, op. cit., nos 1037 s.)

^۲ Stéréotype

^۳ Cour de Cassation, Chambre civile 1, du 12 juillet 1989, 88-11.443, Publié au bulletin

۱۹۷۴ اعلام داشته‌اند که وجود جهت تعهد صرفاً در زمان تشکیل قرارداد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.^۲

با وجود این واقعیت‌های حقوقی سبب تغییر در مفهوم جهت گردیده و جهت تعهد که چهره‌ای نوعی دارد، به‌طور فزاینده‌ای رنگ شخصی به خود گرفته است (Pellé, 2007: 213) و تحلیل رویه قضایی نشان می‌دهد که بسیاری از آراء را دیگر نمی‌توان با تفکیک سنتی میان جهت تعهد و جهت قرارداد توجیه نمود (Pellé, 2007: 215). در حقیقت رویه قضائی فرانسه مفهوم جهت را از طریق توجه به انگیزه و هدف اقتصادی طرفین از انعقاد قرارداد متحوّل ساخته و آنگاه که اجرای قرارداد بر مبنای مقصود طرفین آن غیرممکن می‌گردد، فرض می‌شود که دیگر جهت تعهد وجود ندارد (Delebecque & Pansier, 2016, 174). البته باید توجه داشت آنچه در این قسمت در خصوص از بین رفتن جهت بررسی می‌گردد ناظر به قراردادهای مستمر است و نه آئی. شعبه تجاری دیوان عالی فرانسه در رأی مورخ ۲۹ ژوئن ۲۰۱۰^۳ به صراحت از بین رفتن جهت در قراردادهای مستمر را سبب انفساخ قرارداد دانسته است. در پرونده موسوم به «ویدئو کلپ»^۴، زن و شوهری، کلپ عرضه‌ی محصولات ویدئویی در روستایی با جمعیت ۱۱۳۴ نفر ایجاد می‌کنند و برای تأمین نوارهای ویدئو قرارداد اجاره‌ی ماهانه تعدادی فیلم با یک شرکت منعقد می‌نمایند. لیکن جمعیت روستا به قدری کم است که بسیاری فیلم‌ها به اجاره نمی‌رود، در حالیکه ایشان مجبورند اجاره بهای فیلم‌ها را پرداخت نمایند، بدون اینکه سودی عایدشان شود. به همین دلیل نیز اقدام به طرح دعوی ابطال قرارداد می‌کنند و دعوی ایشان به موجب رأی ۳ ژوئیه ۱۹۹۶ شعبه‌ی اول مدنی دیوان عالی^۵ پذیرفته می‌شود. حقیقت این است که انحلال قرارداد را در این خصوص با نظریه جهت نوعی نمی‌توان توجیه

فایده می‌سازد. تحلیل نوین برخی حقوقدانان^۱ از نظریه جهت از این منظر شایسته است. نزد ایشان (Capitant, 1927: 19) جهت در قراردادهای مستمر عنصری آئی به شمار نمی‌رود، بلکه عنصری دائمی است که نه تنها در زمان انعقاد قرارداد، حتی در زمان اجرا نیز دارای نقش تعیین‌کننده است. به تعبیر وی هرکسی که طوعاً تعهدی را بر عهده می‌گیرد هدفی اقتصادی یا مالی دارد و صرفاً بدان جهت ملتزم می‌گردد تا بدان غایت رسد. هدف، بخشی جدایی‌ناپذیر از اراده خلّاق تعهد و حتی عنصر اساسی آن است. در حقیقت تعهد چیزی جز وسیله‌ای برای رسیدن بدان هدف نیست. لذا نه تنها تشکیل تعهد بستگی نزدیکی به وجود، امکان و ماهیت هدف مورد نظر دارد، بلکه بقای تعهد نیز تابع تحقق همان غایتی است که دنبال می‌شود و اگر آن هدف محقق نشود، جایز نیست که تعهد نیروی الزام‌آور خود را حفظ کند (Capitant, 1927: 27). بنابراین ضرورت بقای جهت تا زمانی که قرارداد به‌طور کامل اجرا نشود احساس می‌گردد و تعهد تنها تا زمانی می‌تواند باقی بماند که در پناه جهت اولیه باشد (Capitant, 1927: 29). با این نظر مخالفت شده است، چراکه به زعم برخی (Mazeaud, 1998: 270; Ghestin, 2013: 771) جهت در شمار شروط تشکیل قرارداد است و آنگاه که در زمان تشکیل وجود داشته و قرارداد به شکل معتبر منعقد شود، حادثه‌ی بعدی نمی‌تواند آن جهت را از بین ببرد و سبب زوال قرارداد گردد. لذا به نظر ایشان تئوری جهت هیچ‌گونه نقشی در مرحله‌ی اجرای قراردادهای دوتعهدی ندارد و کارکرد آن را باید به مرحله‌ی تشکیل قرارداد محدود نمود. شعبه‌ی تجاری دیوان عالی فرانسه نیز به موجب رأی ۲۱ اکتبر ۱۹۷۴ و شعبه سوم مدنی نیز به موجب رأی ۸ می

⁴ Point club vidéo

⁵ Civ. 1re, 3 juill. 1996, no 94-14.800 P, D. 1997. 500, note Reigné.

¹ Le néo-casualisme de capitant

² Com. 21 oct. 1974, Bull. civ., no 255: « l'existence de la cause d'une obligation s'apprécie au moment de la formation du contrat ».

³ Com., 29 juin 2010, n 09-67.369, inédit



هدف سودآوری عملیات تجاری، بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد قرارداد است، اگرچه در نهایت به جهت عدم احراز ناممکن شدن هدف قرارداد دعوا را مردود اعلام نمود. همچنین شعبه اول مدنی دیوان عالی به موجب رأی ۳۰ اکتبر ۱۳۸۰ اعلام نموده که از بین رفتن جهت تعهد در یک قرارداد مستمر آن را نسبت به آینده منفسخ می‌سازد. در این پرونده خانمی علیه همسر سابق خود دعوای مطالبه وجه معینی را طرح می‌نماید، با این ادعا که وی متعهد شده به مدت ۱۰ سال و از ابتدای دسامبر ۱۹۷۲ هر ماهه ۳۰۰۰ فرانک (جمعاً ۳۶۰,۰۰۰ فرانک) به حساب او واریز کند که دادگاه تجدیدنظر با این استدلال که جهت تعهد از بین رفته دعوای وی را مردود اعلام می‌نماید. وی فرجام‌خواهی نموده و با استناد به ماده ۱۱۳۱ سابق قانون مدنی فرانسه استدلال می‌کند که وجود جهت تعهد صرفاً در زمان تشکیل آن معتبر است. دیوان عالی فرانسه در تأیید حکم دادگاه تجدیدنظر بیان می‌دارد که جستجوی قصد مشترک طرفین حاکی از آن است که تعهد شوهر به پرداخت آن اقساط، به منظور تضمین تحصیل و نفقه پسرشان که در آن زمان تحت تکفل مادرش بوده صورت پذیرفته و به سبب اینکه از نوامبر ۱۹۷۴ فرزند عملاً توسط پدر نگهداری می‌شود جهت این تعهد در این تاریخ از بین رفته و تعهد منتفی گردیده است.

با وجود این، موضع‌گیری‌ها در خصوص این پرونده‌ها یکسان نیست، چنان‌که برخی این نوآوری را خطری برای امنیت حقوقی و قاعده‌ی نیروی الزام-آور قراردادهای دانسته‌اند که رفتارهای غیرمسئولانه در روابط قراردادی را تشویق می‌کند و به تعبیر برخی جهت در این مورد از سهل‌انگاری حمایت می‌کند، زیرا یک مطالعه‌ی ابتدایی توسط آن زن و شوهر می‌توانست مانع انعقاد این قرارداد شود (Moury, 2000: 382 as cited in Pellé, 2007: 219).

نمود، زیرا شرکت طرف قرارداد کماکان در ازای اجاره-بهایی که این زن و شوهر می‌پردازند نسبت به تحویل ماهانه تعداد کاست مورد تعهد اقدام می‌نمود (Terré et al., 2018: 443)، همچنین این انحلال براساس نظریه جهت قرارداد نیز توجیه-ناپذیر است و این واقعیت که زوجین از منفعت مورد انتظار بازمانده‌اند، براساس مفهوم رایج از جهت شخصی نباید منشأ اثری شود، زیرا چنانچه انگیزه‌ها مشروع باشد، اختلاف بین این انگیزه‌ها و نتایج حاصل از قرارداد سبب انحلال قرارداد تلقی نمی‌شود (Ancel, 2022). در واقع در این مورد دیوان به ترکیبی^۱ از هر دو مفهوم جهت متوسل شده است (Ancel, 2022) که از آن به شخصی‌سازی جهت نوعی تعبیر نموده‌اند (Terré et al., 2018: 440). پدیده‌ی شخصی‌سازی جهت نوعی^۲ با دو انتقاد اساسی مواجه شده است، اول این‌که حوزه‌ی بررسی جهت را از زمان شکل‌گیری قرارداد به هنگامه‌ی اجرای آن می‌کشاند، و دوم این‌که مرز میان جهت عینی و شخصی را ناپدید می‌سازد و سبب هم‌پوشانی آنها می‌شود، چنانکه قاضی برای بررسی و کنترل جهت نوعی از معیارهای ارزیابی جهت شخصی، یعنی همان توجه به انگیزه‌ها و هدفی که توسط طرفین تعقیب می‌شد استفاده می‌نماید (Pellé, 2007: 220). همین امر سبب رویگردانی برخی دادگاه‌ها از پذیرش این موضوع و اصرار بر رویکرد و تفکیک سنتی شده، چنان‌که آرای ۹ ژوئن و ۷ آوریل ۲۰۰۹ شعبه تجاری دیوان، بازگشت به نظریه سنتی جهت تعهد دارد و در پرونده‌هایی شبیه به پرونده‌ی ویدئو کلپ تصمیماتی کاملاً مخالف اتخاذ کرده است و آن را به مثابه بازگشت دیوان عالی به نوعی‌ترین برداشت از مفهوم جهت تعبیر نموده‌اند (Mazeaud, 2013: 687).

در پرونده دیگری^۳ شعبه تجاری دیوان عالی به موجب رأی ۲۷ مارس ۲۰۰۷^۴ چنین نتیجه گرفت که

⁴ Cour de Cassation, Chambre commerciale, du 27 mars 2007, 06-10.452, Inédit

⁵ Cour de cassation, civile, Chambre civile 1, 30 octobre 2008, 07-17.646, Publié au bulletin

¹ Mixage

² La subjectivation de la cause objective

³ Point Vidéo

بلکه حیات تعهد نیز تابع بقای جهت دانسته می شود و در نتیجه می توان گفت که در قراردادهای مستمر جهت دیگر تنها شرط تشکیل قرارداد نیست، بلکه شرط بقای آن نیز هست (Mazeaud, 2364: 2015) و برخی این رویکرد رو به جلوی دیوان عالی در خصوص کنترل جهت برای خودداری از اعطای نیروی الزام آور به تعهدات یکجانبه ای که نسنجیده ایجاد شده است را مفید دانسته اند (Genicon, 2013: 868 as cited in Mazeaud, 2364: 2015). در نتیجه ای این تحولات رویه قضایی، نظریه جهت بینش اقتصادی تری یافت و به ابزاری برای کنترل مطلوبیت اقتصادی و تعادل قراردادی تبدیل شد که فقط در زمان تشکیل قرارداد ارزیابی نمی شود (Buffelan-Lanore & Larribau- 110: 1998; Terneyre, 2023; Mazeaud, 110: 1998). از این منظر اعتبار قرارداد و شروط تشکیل دهنده آن در پرتو انتظارات مشروع طرفین قرارداد ارزیابی می شود (Mazeaud, 110: 1998). در یک چشم انداز پویا و اقتصادی از قرارداد، قاضی نه تنها با جای دادن خود در زمان شکل گیری قرارداد وجود جهت را کنترل می کند، بلکه برای ارزیابی عملیات اقتصادی و اطمینان خاطر از برهم نخوردن تعادل قراردادی، نظارت خود را به مرحله ای اجرای قرارداد نیز گسترش می دهد (Mazeaud, 2015: 2364; Cabrillac, 2018).

۵ بررسی انتقادی جهت قرارداد در حقوق ایران

با توجه به مطالب پیش گفته، سؤال این است که با برهم خوردن تعادل قراردادی و زائل شدن هدف قرارداد برای یکی از طرفین، باید به اصله اللزوم استناد نمود و این طرف را در وضعیت حادث، باقی گذارد و یا اینکه می توان به یاری تئوری های دیگر قرارداد را منتفی دانست و شخص متضرر را از درماندگی رهایی بخشید؟ به عنوان مثال، شخصی، پیرو اخذ عاملیت فروش مدل خودرویی خاص،

عقیده برخی دیگر نیز جهت شخصی در قراردادهای دوتعهدی مبهم تر از آن است که آن را جستجو نمود و عقد را به سبب زوال آن منفسخ دانست (Fages, 119: 2009)، زیرا معمولاً طرف قرارداد از ترس اینکه مبدا آگاهی از انگیزه وی بر شرایط قرارداد تأثیر گذارد از افشای آن بیمناک است (Capitant, 1927: 24). به عقیده برخی (Fages, 2009: 119) تسری حکم سقوط تعهد پرداخت نفقه به قراردادهایی با تعهدات متقابل بدان می ماند که روزی دیوان عالی اعلام کند که از زمانی که اجرای قرارداد مستمر نفعی برای یکی از طرفین ندارد باید آن را منفسخ دانست و در این صورت هر کسی برای خودداری از اجرای قراردادی که دیگر تمایلی بدان ندارد به این حکم استناد خواهد کرد.

در مورد دیگری نیز مدیرعامل یک شرکت بدون اینکه مدتی را تعیین نماید، به نفع مدیر مالی متعهد می شود سهامی که هیئت مدیره به عنوان پاداش مشارکت آنها در بهبود و توسعه شرکت به صورت رایگان به وی اختصاص می دهد را به طور مساوی با وی تقسیم کند. چندی بعد مدیر مالی استعفاء می دهد و پس از مدتی متوجه می شود که مدیرعامل متعاقب استعفای وی سهام اضافی دریافت کرده و لذا برای دریافت معادل نیمی از سهام موردنظر، اقدام به طرح دعوی می نماید. شعبه اول مدنی دیوان عالی فرانسه در رأی ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۵ در مقام تأیید آرای محاکم تالی چنین استدلال می نماید که مدیرعامل بدین سبب حاضر شده تمام مزایای دریافتی از شرکت را به طور مساوی با مدیر مالی تقسیم نماید، چرا که تفاهم با وی و حضورش را برای توسعه و بهبود شرکت ضروری می دانسته و بنابراین این تعهد با استعفای مدیر مالی جهت خود را از دست داده و منفسخ شده است. این نمونه ای دیگری از کنترل جهت در قراردادهای مستمر است که نه تنها در راستای بررسی عقلانی بودن تعهد، وجود جهت در زمان انعقاد قرارداد ارزیابی می شود،

¹ Cour de cassation, civile, Chambre civile 1, 10 septembre 2015, 14-20.498, Inédit

استثنائی ارزش بحث حقوقی ندارد. به نظر حقوقدان دیگری (شهیدی، ۱۳۸۸: ۳۳۵) نیز آنچه سبب برانگیختن یکی از طرفین بر انعقاد قرارداد می‌شود، اثری در طرف مقابل ندارد و نمی‌تواند علت رضایت او به شمار آید و به همین سبب نیز دستیابی و عدم دستیابی به جهت برای طرف مقابل تفاوتی نمی‌نماید. در جبهه مخالف نویسندگان دیگری (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۱۵) جهت را غرض اصلی و باعث قاطعی می‌داند که اگر نمی‌بود معامله نیز منعقد نمی‌شد و لذا جهت مشروعی که بیان می‌شود قید تراضی محسوب می‌گردد و از منظر حقوق شایسته توجه است. با توجه به مراتب فوق، ضروری است تا دیدگاه حقوق ایران در چنین وضعیتی مطالعه و راهکارهای ارائه شده در این خصوص بررسی شود. البته آنچه در این قسمت مطالعه می‌شود، موضوعی متفاوت از تغییر اوضاع و احوال قراردادی است، چراکه همانگونه که برخی (صادقی مقدم، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۵) نیز بیان نموده‌اند، نظریه انتفای هدف قرارداد مربوط به حادثه یا حوادثی است که اهداف قرارداد را منتفی می‌نماید، حال آنکه نظریه تغییر اوضاع و احوال بر نکات اساسی که مبنای قرارداد را تشکیل می‌دهد استوار است و تنها اجرای قرارداد را مشکل و یا ضرری می‌نماید.

۵/۱ امکان‌سنجی توسل به جهت مشترک

به نظر برخی نویسندگان (افتخاری، ۱۳۹۵: ۱۵۱-۱۵۲) جهت معامله عبارت است از جمع دواعی هر دو طرف یا متعاملین. به عبارت دیگر این دواعی در حالت اجتماع عنوان جهت به خود می‌گیرد. به اعتقاد برخی اساتید (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۱۷) نیز نظر غالب این است که در قراردادهای جهت مشترک و موردنظر در تراضی، در عقد مؤثر است. حال آیا می‌توان قائل به جهت مشترک در قراردادهای بود، چنانکه هر دو سوی قرارداد هدف واحدی را دنبال نمایند؟ به نظر می‌رسد، این تعبیر صحیح نباشد و در قریب به

محلّی را به منظور ارائه‌ی خدمات فروش و پشتیبانی برای مدتی چندساله و با اجاره‌بهایی قابل توجه اجاره می‌نماید و در هنگام عقد نیز طرف مقابل را از هدف خویش آگاه می‌سازد. لیکن به فاصله‌ی کوتاهی به سبب تحریم خارجی و یا ممنوعیت تولید آن مدل از خودرو امتیاز عاملیت لغو می‌گردد، درحالی‌که عقد اجاره برای مدت طولانی منعقد گردیده و به دلیل قیود مندرج در آن امکان انتقال آن به دیگری و یا فسخ زود هنگام قرارداد وجود ندارد و اقتضای اصل لزوم قراردادهای نیز این است که این عقد تا پایان مدت پایدار بماند. به نظر می‌رسد در حقوق ایران مقرّره‌ای با هدف چاره‌اندیشی به حال قراردادهایی که تحقق اهدافشان برای ذینفع ناممکن شده وجود ندارد (بیگدلی و اصانلو، ۱۴۰۱: ۲۷ - ۲۸). برخی (دیانی، ۱۳۹۵: ۱۴۷-۱۴۸) ریشه را در آن می‌دانند که جهت در فقه امامیه به عنوان رکنی که به پیکره اقتصادی و تکنیکی عقد برگردد مورد لحاظ قرار نگرفته است، درحالی‌که به نظر می‌رسد دلیل اصلی آن اهمیت استحکام معاملات و امنیت قراردادی است و با چنین منطقی باید با مسئله‌ی انتفای قرارداد به علت منتفی شدن جهت با احتیاط برخورد نمود، زیرا عدول از اصل لزوم، نیازمند دلیل قوی قانونی یا قراردادی است. به‌هرحال عمده‌ی بحثی که دکتربین حقوقی از جهت کرده‌اند، به تأثیر جهت نامشروع بر صحت عقد و نحوه‌ی ورود اینگونه اغراض در حوزه‌ی قراردادی راجع است.^۱ چنانکه گفته‌اند (غفاری فارسیانی، ۱۳۸۹: ۲۳۱)، قانون مدنی جهت مشروع را پی‌جویی نمی‌کند و به همین دلیل منتفی شدن جهت قرارداد و اثر آن به صراحت پیش‌بینی نشده است. بعضی اساتید (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۴۰) به صراحت با دخالت مقاصد و جهات در صحت معامله، مخالفند. همچنان‌که بعضی دیگر (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۱۲) نیز علت غائی را در قراردادهای به علت غائی مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌نمایند و دومی را برابر با انگیزه شخصی می‌دانند که جنبه حقوقی نداشته و جز در موارد

^۱ ر ک: قبولی درافشان، فخلعی و حائری ۱۳۹۵.

۵٫۲ ورود جهت در حوزهی قرارداد

در این قسمت باید دید، برای تأثیرگذاری جهت موردنظر یکی از طرفین بر سرنوشت قرارداد، آیا جهت مزبور باید به عنوان عنصری از عناصر قرارداد مورد تراضی قرار گیرد و یا ذکر آن در هنگام انعقاد قرارداد و آگاه شدن طرف مقابل از آن برای ورود جهت به عرصه‌ی قرارداد کافیهست؟ برای منقح‌تر نمودن بحث، این مسئله را به تفکیک مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

۵٫۲٫۱ نظریه لزوم توافق بر جهت

به اعتقاد برخی اساتید (صفایی، ۱۳۸۶: ۳۶۵؛ صفایی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۳۸)، برای ورود جهت به عرصه قرارداد، صرف ذکر آن توسط یکی از طرفین کفایت نمی‌کند و امنیت معاملات اقتضاء می‌کند که به این‌گونه دواعی ترتیب اثر داده نشود مگر اینکه وارد قلمرو تراضی ایشان شده باشد. اعم از اینکه تصریح شود و یا بدون تصریح مورد توافق طرفین باشد. همچنین گفته شده (غفاری فارسینانی، ۱۳۸۹: ۲۳۴ - ۲۳۵) که قرار گرفتن جهت در قلمرو تراضی ممکن است بر اساس مبنای مشترک طرفین و شرط بنایی تحقق یابد.

اصل لزوم قراردادهای و جلوگیری از ضرر طرف دیگر عقد ایجاب می‌نماید که به سبب برآورده نشدن هدف شخصی یکی از متعاقدين به صرف آگاهی دیگری، عقد منحل نگردد. چرا که اگر بتوان با هر بهانه‌ی جزئی الزام تعهد ناشی از قرارداد را کنار گذاشت، نظم در معاملات و تنظیم روابط تجاری در جامعه از بین می‌رود (صادقی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۶۰). لذا به نظر برخی نویسندگان (غفاری فارسینانی، ۱۳۸۹: ۲۳۴) در این فرض چیزی بیش از صرف علم طرف دیگر مورد نیاز است و دلیلی برای انحلال قرارداد به جهت منتفی شدن هدف مشروع یکی از طرفین یافت نمی‌شود و هیچ مصلحتی آن را توجیه نمی‌نماید.

اتفاق موارد نمی‌توان به جهت مشترک برای طرفین یک قرارداد قائل بود. حتی در قراردادهایی که جنبه‌ی مشارکتی دارند و متعاقدان نه در برابر هم، بلکه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند به ندرت اهداف واحدی تعقیب می‌گردد. برای مثال ممکن است هدف افرادی که عقد شرکت برای راه‌اندازی یک کارگاه تولیدی لوازم یدکی منعقد می‌نمایند، ارضای حس کنجکاوی، تلاش برای رفع دغدغه‌ای ملی، برآوردن آرزوی دیرینه و یا ایجاد محیط اشتغال برای فرزندان خود باشد و مثال‌هایی که برخی نویسندگان (غفاری فارسینانی، ۱۳۸۹: ۲۳۵) در مورد هدف مشترک آورده‌اند به باور خود ایشان نیز به از بین رفتن موضوع شرکت می‌ماند تا انتهای هدف آن. همچنین به اعتقاد نویسنده مزبور (غفاری فارسینانی، ۱۳۸۹: ۲۳۴)، مهم‌ترین شرط استناد به منتفی شدن جهت معامله، ورود هدف موردنظر به قلمرو تراضی متعاقدين است. ولی آیا می‌توان ورود جهت را در دایره‌ی تراضی طرفین به معنای مشترک بودن آن دانست؟ برخی اساتید (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۲۳) گفته‌اند که تصریح نمودن به جهت در قرارداد با توافق طرفین درباره‌ی آن تلازمی ندارد. چه اینکه، این احتمال وجود دارد که دو جهت مختلف در قرارداد بیان شود و هر یک از طرفین هدف ویژه‌ی خود را تعقیب کند و به بیانی دقیق‌تر، برای اشتراک در جهت تصریح آن در عقد کفایت نمی‌کند و نیاز به یک توافق اضافی وجود دارد. به نظر می‌رسد از این هم پیش‌تر می‌توان رفت و ادعا نمود، حتی اتفاق بر جهت نیز ملازمه‌ی با اشتراک آن میان طرفین ندارد. زیرا، همانگونه که برخی اساتید (شهیدی، ۱۳۸۸، ۳۳۶) بیان داشته‌اند، معمولاً آنچه سبب انگیزش یکی از متعاقدين به تشکیل قرارداد می‌شود اثری در طرف مقابل ندارد و حتی ممکن است برای او نامطلوب هم باشد، باوجود این، هدف دستیابی به موضوع قرارداد وی را ناگزیر از پذیرش معامله با وجود انگیزه موردنظر در طرف دیگر قرارداد می‌نماید.



قانونی بر انتفای آن بار شود. همچنانکه برخی (صادقی مقدم، ۱۳۷۹: ۱۷۰) نقل نموده‌اند، در دعوی مشهور *Krell v. Henry*^۲ در حقوق انگلیس نیز در قرارداد هیچ اشاره‌ای به هدف انعقاد قرارداد نمی‌شود. لیکن توجه به مکان اتاق و زمان اجاره‌ی آن مشخص می‌نمود هدف مستأجر تماشای مراسم تاج‌گذاری ادوارد ششم بوده است و لذا دادگاه انگلیس انحلال قرارداد به جهت انتفای هدف آن به سبب لغو مراسم تاج‌گذاری را پذیرفت و مطالبه‌ی باقیمانده‌ی اجاره‌بها محکوم به رد گردید.

مقاومت در برابر پذیرش انحلال قرارداد در چنین فرضی با لزوم امنیت قراردادی توجیه می‌شود، درحالی‌که سکوت در برابر چنین اعلامی و اقدام آگاهانه شخص در انعقاد قرارداد با طرفی که به صراحت هدف و مقصودش را از ورود در یک فرآیند اقتصادی مبتنی بر قرارداد اعلام نموده تا حدود زیادی توجیه معمول را بی‌اعتبار می‌سازد و باعث ورود آن هدف به عرصه قرارداد می‌شود و استثنائی بر اصل لزوم وارد می‌آورد. همچنین می‌توان گفت که انکار آثار از بین رفتن جهت قراردادی برای یکی از طرفین و متعاقب آن زوال تعادل قراردادی در حالی صورت می‌گیرد که در دهه‌های اخیر دکترین حقوقی به بحث تعدیل قرارداد که غایت مشترکی با نظریه منتفی شدن جهت دارد متمایل شده است.^۳ هدف از طرح و بسط اندیشه‌های ناظر به امکان تعدیل قضایی چیزی جز بازگرداندن تعادل از دست‌رفته به قرارداد نیست و انحلال قرارداد در فرض منتفی شدن هدف چهره‌ی دیگری از همان رویکرد است و جایی به کار می‌رود که تلاش برای تعدیل نیز بی‌فایده است و اصرار بر استمرار قرارداد، موازنه‌ای که مورد نظر طرفین و برانگیزاننده‌ی اشتیاق ایشان بوده را به صورتی غیرقابل اغماض برهم می‌زند.

در مقام نقد نظر فوق می‌توان گفت، این نظریه تلویحاً این استنباط نادرست را به همراه دارد که خود جهت قرارداد (به عنوان یک مفهوم حقوقی) اصلاتی ندارد و باید در قالب دیگری (توافق صریح یا ضمنی طرفین) ریخته شود تا ارزش حقوقی بیابد. این در حالی است که همچنانکه سابقاً این موضوع در حقوق فرانسه مورد مطالعه قرار گرفت و در خصوص دیدگاه حقوق ایالات متحده نیز دیگران مطالعات تطبیقی نموده‌اند، حقوق قراردادها در حال حرکت به سویی است که برای اغراض مشروع طرفین جایی باز کند و صحبت از ضرورت ورود آن جهات در قالب‌های مرسوم ثمره‌ای جز نفی این هویت در حال تکامل نخواهد داشت.

۵،۲،۲ کفایت آگاهی طرف قرارداد از انگیزه طرف مقابل

به عقیده‌ی برخی اساتید (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۲۳)، قانونگذار لازم نمی‌بیند که جهت قرارداد اراده‌ی هر دو طرف را جلب کرده باشد و به همین جهت هم تصریح در عقد را، که وسیله‌ی متعارف برای آگاه ساختن طرف قرارداد است، کافی می‌داند. چنانکه برخی دیگر (قاسمی‌حامد، ۱۳۹۳: ۲۳۱) نیز نتیجه‌ی تصریح را اطلاع طرف مقابل دانسته‌اند. داخل شدن جهت در حیطه‌ی تراضی به معنای این نیست که هدف مشترک طرفین باشد و وارد قصد مشترک ایشان شود؛ بلکه همین مقدار که جهت نامشروع به صورتی اعلام شده باشد که طرف قرارداد از آن آگاه شود و با اطلاع از آن اقدام به معامله کند کافی است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۲۴). این در حالی است که اگر صرف علم و اقدام براساس آن می‌تواند توجیه‌کننده‌ی بطلان قرارداد در فرض نامشروع بودن جهت طرف مقابل باشد، چرا این آگاهی نباید در روابط قراردادی با شخصی که هدف مشروعش را از انعقاد عقد اعلام می‌دارد منشأ اثری شود. در حقوق فرانسه نیز گفته شد لازم نیست جهت تعهد موضوع تراضی و یا حتی تصریح قرار گیرد تا آثار

^۳ ر ک: خطیب، فلاح و تولایی، ۱۳۹۷.

^۱ ر ک: غفاری فارسانی، ۱۳۸۹.

^۲ *Krell v Henry* [1903] 2 KB 740

۵،۳ ضمانت اجرای انتفای جهت

به عقیده برخی حقوقدانان (قبولی درافشان و محسنی، ۱۳۹۱: ۷۰) همین که مقصود و جهت در محدوده‌ی قصد مشترک طرفین وارد شود مورد کنترل قرار می‌گیرد و ایفای نقش می‌نماید و ممکن است که در اعمال حقوقی تأثیر گذارد. لذا در این-خصوص که ورود جهات مشروع در قرارداد دارای اثر حقوقی می‌باشد مناقشه‌ی جدی وارد نیست، لیکن بحث بر سر ضمانت اجرای انتفای جهت است که در این زمینه نظریه امکان فسخ قرارداد و نظریه انفساخ قابل بررسی است.

۵،۳،۱ بررسی و نقد نظریه امکان فسخ قرارداد

برخی نویسندگان (غفاری فارسینانی، ۱۳۸۹: ۲۳۶) ضمانت اجرای منتفی شدن هدف قرارداد را در حقوق ایران فسخ آن دانسته و مبنای آن را ممتنع شدن شرط صریح، بنایی یا ضمنی عقد دانسته‌اند.

ایرادی که به این نظر وارد است این است که جهت ضرورتاً در قالب شرط مندرج نمی‌شود و از این حیث این نظر کامل نیست چرا که ممکن است فسخ قرارداد به خاطر تخلف از شروط و بر پایه خیار تخلف شرط نباشد. بنابراین در عین حال که امکان ظهور جهت در قالب شرط، مورد تأیید است لیکن باید موارد محلّ منازعه‌ی جدی‌تر را مورد بررسی قرار داد که در آن جهت به شکل شرط مطرح نشده است. در این خصوص فروضی که حقوقدانان مطرح نموده‌اند از دو حال خارج نیست. برخی مواردی را ذکر نموده‌اند که به عقیده ایشان جهت مورد تعقیب از ابتدا عقیم است، چنانکه برخی حقوقدانان (افتخاری، ۱۳۹۵: ۱۵۲-۱۵۳) معتقدند که اگر خریدار هدف خود از خرید مبیع را اعلام نماید و سپس مشخص گردد که مبیع امکان برآوردن مقصود وی را ندارد می‌تواند به استناد عدم انطباق مورد با جهت معامله آن را فسخ کند، چنانکه زمینی را به قصد احداث بیمارستان بخرد و هدف خود را اعلام و تصریح کند و بعداً معلوم شود که مساحت آن زمین برای احداث بیمارستان کافی نیست. به اعتقاد برخی

دیگر از حقوقدانان (شیروی، ۱۳۹۶: ۸۹). در صورت ذکر جهت در قرارداد، کالا یا خدمت موضوع معامله باید متناسب با جهت مزبور باشد و برای مثال گلی که خریداری می‌شود برای نگهداری در آپارتمان مناسب باشد و چنانچه کالاها یا خدمات موردنظر متناسب با منظور اعلام شده نباشد، خریدار حق فسخ معامله را خواهد داشت. بنابراین می‌توان مثالهایی یافت که بدون اینکه بحث شروط مطرح باشد امکان فسخ قرارداد از راه‌های دیگر مانند خیار تخلف وصف فراهم باشد. البته منحصر دانستن ضمانت اجرا به فسخ در مواردی که تحقق جهت از ابتدا منتفی بوده است، با این اشکال روبرو است که در مواردی تخلف از جهت کاشف از خلل در قصد انشاء است. به عنوان مثال در صورتی که ذکر نمودن جهت بیانگر لزوم وصفی اساسی در مورد معامله باشد که با فقدان قصد، مورد معامله مطلوبیت خود را برای طرف قرارداد از دست دهد. در چنین فرضی نمی‌توان فقط به امکان فسخ بسنده نمود بلکه تحلیل موضوع بیانگر خلل در عناصر تشکیل دهنده قرارداد است (ما وقع لم یقصد و ما قصد لم یقع).

در مواردی ممکن است جهت قرارداد از ابتدا عقیم نباشد لیکن پس از انعقاد و در خلال اجرای قرارداد منتفی گردد. به عنوان نمونه، برخی حقوقدانان در مقام تبیین این مسئله چنین اعلام داشته‌اند که اگر ساختمانی که در بیرون شهر احداث شده برای تأسیس بیمارستان و استراحت بیماران به اجاره داده شود و به هنگام تسلیم نیز از این حیث قابل استفاده باشد، ولی بعد از مدتی در کنار بیمارستان، سربازخانه یا میدان تیر احداث گردد، امکان انتفاع مطلوب از عین مستأجره توسط مستأجر از بین می‌رود و از آنجا جلوگیری از تصرفات همسایه نیز ممکن نیست، مستأجر حق فسخ اجاره دارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۳۹۹). واضح است که این موارد را نمی‌توان با معیوب و یا تلف شدن عین مورد اجاره در مواد ۴۸۱ و ۴۸۳ قانون مدنی برابر دانست، زیرا غالباً تعدّر اجرای قرارداد به واسطه‌ی عیب و تلف ناظر به وضعیت فیزیکی مال است. به علاوه



در تقویّت این نظر همچین می‌توان گفت که در قراردادهای آنی کنترل اعتبار رضا همچون خود عقد فوری است و قرارداد در کوتاه‌ترین زمان ممکن اجرا می‌گردد و مجالی برای ظهور عوامل مخدوش‌کننده‌ی رضا باقی نمی‌ماند. لیکن در قراردادهای مستمر رضایت شخص عنصری آنی نیست و بقای آن در طول مدّت اجرا نیز مورد بازرسی قرار می‌گیرد. رضای اعلام شده در قرارداد، حاصل بسیاری ملاحظات است و باقی بودن آن نیز منوط به آن است که قرارداد کماکان برآورنده‌ی جهت مشروع اظهارشده در قرارداد باشد و در صورت از بین رفتن جهت قرارداد، منطبق حقوقی و اقتصادی چنین التزامی را نمی‌پذیرد و عرف نیز بقای این قرارداد را عقلایی نمی‌داند و به همین جهت نیز به نظر می‌رسد که جز در موارد استثنائی که جهت در قالب شرط ظهور یافته، در دیگر موارد وضعیّت حقوقی انفساخ بیشتر قابل دفاع است.

۶ نتیجه‌گیری

تأثیر جهات مشروع اشخاص در قراردادها در نظام حقوقی ایران مورد توجه کافی قرار نگرفته و قانون مدنی ایران در این خصوص حکم صریحی ندارد. از مطالعه‌ای که در خصوص ظهور و پرورش نظریه جهت به عنوان ابزاری برای کنترل توازن قراردادی در حقوق فرانسه انجام شد مشخص می‌گردد که باید به تأثیر جهات مشروع در عقد با رویکردی نو پرداخت. در حقوق ایران در خصوص جهت معامله و تأثیر آن بر قرارداد معمولاً جهت را از جنبه منفی آن یعنی نامشروع بودن بررسی نموده‌اند، در حالیکه غلبه‌ی دیدگاه‌های اخلاقی در توجه به این مفهوم در قانون مدنی نباید سبب تضعیف سایر کارکردهای آن شود که اتفاقاً چهره‌ی حقوقی و اقتصادی بیشتری دارد. بازگو شدن اغراض مشروع متعاقدان از انعقاد قرارداد در مذاکرات مقدماتی و یا حین انعقاد آن امری معمول است و تشکیل قرارداد با چنین ملاحظات سبب ورود این اهداف به حوزه‌ی قرارداد می‌شود. به همین جهت نیز لزوم باقی بودن امکان تحقق هدف اقتصادی و نفعی که از قرارداد مورد

موضوع عقد اجاره، واگذاری منافع عین است و انتفاع مقصود طرفین در دایره‌ی موضوع جای نمی‌گیرد و باید آن را برابر با هدف قرارداد دانست که در موارد امتناع، هرچند امکان اجرای قرارداد وجود دارد، اما هدفی که قرارداد بر مبنای آن منعقد شده منتفی می‌گردد (تهامی و سایرین، ۱۴۰۰: ۲۱). آنچه جای سؤال دارد این است که منبع این حق فسخ از کجاست؟ اختیارات از جهت منشأ وجودی یا ریشه در تراضی طرفین دارد و یا به حکم قانون به وجود می‌آید. استقراء در قانون مدنی نمی‌تواند قاعده‌ای برای فسخ به استناد منتفی شدن جهت و یا حتی مصداقی از آن را بر حقوقدان کشف نماید و اگر برای مواجهه با چنین وضعیّتی شرط خیاری نیز نشده باشد می‌توان در پذیرش حق فسخ تردید جدی نمود و شاید به همین سبب است که چنانکه خواهیم دید، قائلین به فسخ جانب انفساخ را نیز نگاه داشته‌اند.

۵٫۳٫۲ ترجیح وضعیّت حقوقی انفساخ عقد

به اعتقاد برخی حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۴۰۰) در صورت عقیم شدن هدف مطلوب، می‌توان عقد را منفسخ دانست. در این ارتباط، رأی شماره ۶۴۴ مورخ ۱۳۱۷/۰۳/۱۱ دیوان عالی کشور قابل توجه است. بر اساس رأی مزبور، قرارداد اجاره مکانی که به منظور زهتابی اجاره شده و اشتغال به شغل مزبور در محیط شهری با تصمیم شهرداری ممنوع اعلام شده بود، منفسخ دانسته شد. مثال دیگر در زمینه اجاره و انفساخ آن به دلیل بیهوده شدن هدف اجاره، این است که مکانی برای تماشای مسابقه‌ی ورزشی به بهایی قابل توجه اجاره داده شود و مسابقه به دلیلی برگزار نشود (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۷۲). تحلیل دیگری که در اینگونه موارد برای انفساخ قرارداد به چشم می‌خورد، این است که در مواردی جهت، قید اراده و تراضی طرفین بوده است و با زوال قید، مقید از بین رفته و در نتیجه عقد (مقید) منفسخ می‌شود (غفاری فارسینانی، ۱۳۸۹: ۲۳۵).



خوبی نشان داد مادامی که قانونگذار وضع مقرره ننموده، تلاش دکتترین به سرمنزل مقصود نمی‌رسد و حاصل حرکت رویه‌ی قضایی در چنین وضعیتی چیزی جز تهافت آراء نخواهد بود و مناسب است قانونگذار ایران در این خصوص به روشنی موضع‌گیری نماید.

انتظار بوده را به نوعی می‌توان به اراده‌ی ضمنی یا صریح طرفین قرارداد منسوب نمود که برآورنده‌ی رضای ایشان است. لذا در مواردی که مقصود از انعقاد قرارداد برای یکی از طرفین به طور کامل از بین می‌رود، باقی بودن التزام قراردادی عادلانه به نظر نمی‌رسد و می‌توان به جهت انتغای رضا قائل به انفساخ قرارداد بود. تجربه‌ی حقوق فرانسه به



منابع

- Adl, M. (1378). Civil law, Qazvin: Taha Publications. (In Persian)
- Ancel, P. (2022). the law of obligations. Paris: Dalloz (In French).
- Bigdeli, S., & Osanloo, A. (1401). A comparative study of contract lapse in French and Iranian law. Private Law research, Vol 10, Issue 38, pp. 9-44. (In Persian)
- Buffelan-Lanore, Y., & Larribau-Terneyre, V. (2023). Civil Law. The obligations. Paris: Sirey (In French).
- Cabrillac, R. (2018). the law of obligations. Paris: Dalloz (In French).
- Capitant, H. (1927). the cause of obligations (Contracts, unilateral engagements). Paris: Dalloz (In French).
- Cornu, G. (2018). Vocabulaire juridique. Paris: PUF (In French).
- Dayani, A. (139۵). Iranian Law of Contracts. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Debard, T., & Guinchard, S. (2017- 2018) Lexicon of legal terms. Paris: Dalloz (In French)
- Delebecque, P., & Pansier, F. J. (2016). the law of obligations, Contract and quasi-contract. Paris: LexisNexis (In French).
- Demogue, R. (1923). Treatise on obligations in general (Vol. 1). Paris: Rousseau (In French).
- Demogue, R. (1923). Treatise on obligations in general (Vol. 2). Paris: Rousseau (In French).
- Eftekhari, J. (1395). Civil Law, Obligation Law and Introduction to Contract Law. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Fages, B. (2019). the law of obligations. Paris: LGDJ (In French).
- Flour, J., Aubert, J. L., & Savaux, É. (2022). Civil Law. The Obligations, Volume 1. The legal act. Paris: Sirey (In French).
- Ghabooli dorafshan, S. M. H., fakhlaei, M. T., & haeri, M. H. (2016). The Remedy of Contracts with Illegal Purpose as a Means to Protect Traditional and Economic Public Policy. Encyclopedia of Economic Law Journal, 23(9), 1-29. (In Persian)
- Ghaffari Farsani, B. (1389). Frustration of Purpose and Its Effect on Contractual Relationship with A Comparative Study on American and Iranian Law. Law Quarterly, Vol 40, Issue 101, pp. 219 - 238 (In Persian)
- Ghasemi hamed, A. (1393). Civil law, Basic conditions of contract formation. Tehran, Derak Publications. (In Persian)
- Ghestin, J. (2007). Cause of engagement and validity of the contract. Paris: LGDJ (In French).
- Ghestin, J. (2013). The Formation of the Contract Volume 2: The Object and

- the Cause – Nullities. Paris: LGDJ (In French).
- Jafari Langrudi, M. J. (1367). The Terminology of Law, Tehran: Ganj'e Danesh Publications. (In Persian)
- Jafari Langrudi, M. J. (۱۳۸۷). The Terminology of Law, Tehran: Ganj'e Danesh Publications. (In Persian)
- Jafari Langrudi, M. J. (1390). Obligations Law, Tehran: Ganje Danesh Publications. (In Persian)
- Josserand, L. (1939). General theory of obligations; The main contracts of civil law; The sureties. Paris: Recueil Sirey (In French).
- Katouzian, N. (13۸۰). Iranian Civil Law: special Contracts: Vol. 3, Tehran: Ganj'e Danesh Publications. (In Persian)
- Katouzian, N. (13۸3). General Principles of Contracts: Formation and Validity, Legal Sanctions. Vol.۲, Tehran: Behnashr Publication. (In Persian)
- Katouzian, N. (1390). Juristic Acts. Contracts, Unilateral Acts. Tehran, Enteshar Publication Co. (In Persian)
- Katouzian, N. (13۹3). General Principles of Contracts: Effects of Contract, Vol.3, Tehran: Enteshar Publication Co. (In Persian)
- Khatib, A., Falah, M. R., & Tavallaee, A. (2018). The Jurisprudential and Legal Foundations of the Theory of Judicial Modification of Contracts in the Legal System of Iran and Egypt. Islamic Law Research Journal, 19(47), 133-154. (In Persian)
- Mazeaud, D. (2013). The cause, a notion in the wind...: note under Com. 23 oct. 2012. Dalloz collection (10), 686-690. (In French).
- Mazeaud, D. (2015). The disappearance of the cause of a unilateral commitment of will Dalloz collection (40), 2361 (In French).
- Mazeaud, H., Mazeaud, L., Mazeaud, J., & Chabas, F. (1998). Lessons of Civil Law. 2, 1. The Obligations: General theory. Paris: Montchrestien (In French).
- Mohaghegh Damad, M. (1382). A Study of Islamic Jurisprudence with Respect to Family Law: Marriage and Its Termination. Tehran: Oloom eslami Publication. (In Persian)
- Pellé, S. (2007). The notion of contractual interdependence. Contribution to the study of contracts groups. Paris: Dalloz (In French).
- Planiol, M. (1908). Basic civil law treatise. Paris: General library of law and jurisprudence. (In French).
- Qabuli Dorafshan, M. H. (1396). Assisting in haram in the jurisprudence of contracts. Tehran, Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Qabuli Dorafshan, M. M., & Mohseni. S. (1391). The General Theory of Nullity in Contracts. Tehran: Jungle Publications. (In Persian)



- Sadeghi Moghaddam, M. H. (1379). A comparative study of "the effect of changing conditions on the contract" and the solution of Iranian Law. *International Law Review*, Volume 18, Issue 25, pp. 161-222 (In Persian)
- Sadeghi Moghaddam, M. H. (1390). *The Change in Circumstances of Contract*. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Safai, S. H. (13۸۶). *Articles on Civil Law and Comparative Law*. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Safai, S. H. (1391). *elementary course of civil law, general principles of contracts*. Tehran: Mizan Legal Foundation. (In Persian)
- Shahidi, M. (1387). *Civil Law: Contract terms*. Vol 4, Tehran: Majd Publication Co. (In Persian)
- Shahidi, M. (1388). *Civil Law: Principles of Contracts and Obligations: Vol. 2*, Tehran: Majd Publication Co. (In Persian)
- Shiravi, A. (1396). *Contract Law: Conclusion, Effects and Termination*. Tehran: SAMT. (In Persian)
- Tahami, S. H., Qabuli Dorafshan, S. M. M., Mohseni, S., & Ansari, A. (۱۴۰۱). Legal and economic analysis of the effect of pandemic diseases on the performance of contractual obligations. *Encyclopedia of Economic Law Journal*, 29(21), 10-49. (In Persian)
- Terré, F., Simler, P., Lequette, Y., & Chénéde, F. (2018). *Civil law. the law of obligations*. Paris: Dalloz (In French).